

نقد ترجمه سوره واقعه (مطالعه موردی ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور)

زهرا صمدی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱۲

مسعود باوان‌پوری**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۳

چکیده

قرآن کریم به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است و درجه توانایی مترجمین آن در درک قرآن، تفهیم آن به زبان مقصد یا هر دوی آن‌ها و همچنین آشنایی با دانش زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی متفاوت بوده است. *ابوالفضل بهرام‌پور* یکی از این مترجمینی است که در ترجمه خویش توانایی بالایی در تفهیم و ترجمه متن قرآن کریم داشته است. البته ایشان نقاط ضعفی نیز داشته‌اند که مقاله حاضر بعد از بیان ویژگی‌های کلی سوره واقعه، ترجمه *ابوالفضل بهرام‌پور* را در اغراض مختلف بلاغی بررسی می‌کند؛ ابتدا به ویژگی بلاغی مانند تشبیه، استعاره، کنایه، تأکید، التفات و... در آیات سوره واقعه و سپس به مقایسه کردن آن اغراض بلاغی با ترجمه بهرام‌پور می‌پردازد. برخی از قصور ترجمه‌ها به سبب ساختار دقیق و پیچیده زبان قرآنی است که باعث شده مترجمان یک ترجمه را بر دیگری ترجیح دهند اما برخی لغزش‌ها نیز به سبب غفلت در ساختار واژه و یا اسلوب صرفی، نحوی و بلاغی آن است؛ برخی نیز به ترجمه تفسیری دست زدند و بدون جدا کردن از اصل کلام از حواشی تفسیری به تفصیل و شرح پرداخته‌اند.

کلیدواژگان: قرآن کریم، ابوالفضل بهرام‌پور، سوره واقعه، اغراض بلاغی.

مقدمه

قرآن کریم این کتاب آسمانی که سرچشمه تمام سخنان زیبا و دل‌نشین و والاترین متن ادبی مبتکرانه است و اعتقاد راسخ ما بر این است که فرستنده، آن را از هرگونه تحریف محافظت می‌کند ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/۹) «بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود». این کتاب آسمانی دارای آیاتی با موضوعات مختلف از جمله پند و اندرز، قصص، احکام، تیشیر، انذار و... است که از جنبه‌های متفاوتی مانند لغوی، صرفی، نحوی، بلاغی، علمی، تاریخی، تصویرپردازی، قصه‌پردازی و... قابل بررسی و تأمل می‌باشد و پس از هر بار بررسی و تعمیق بیش‌تر جنبه‌های اعجاز‌برانگیز آن روز به روز بیش از پیش برای بشر آشکار می‌گردد. اگر قرآن کریم را برترین و والاترین کتابی بدانیم که تا کنون جهانیان به چشم دیده‌اند سخنی به گزافه و از سر تعصب نگفته‌ایم. با قرائت این کتاب مقدس و اندکی تفکر و تدبر در آیات روح‌بخش آن به سادگی می‌توان به شیوایی و پختگی و فصاحت و بلاغت کلام خداوند سبحان پی برد. ساختار آیه‌ها، استفاده دقیق و مناسب از کلمات، آهنگ دل‌نشین و موزون و بلاغت بی‌نظیر آن موجب شده است پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از نزول این معجزه جاوید، باز هم کسی توان تحدی و مقابله با کلام خداوند متعال را نداشته باشد.

بشر همواره از قدیم‌ترین زمان‌ها تا کنون ترجمه را ساده‌ترین راه انتقال فرهنگ‌ها و غنا و گسترش آن دانسته است (رادفر، ۱۳۸۹: ۸۸). ترجمه قرآن مجید یکی از مباحث بسیار مهم در علوم قرآنی است و از دیرباز تا به امروز این مبحث مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است (سلطانی، ۱۳۹۴: ۷۴). از آنجا که این کتاب به زبان عربی مبین نازل شده است از زمان صدر اسلام بعضی از یاران و اصحاب پیامبر(ص)، قرآن را برای کسانی که زبان عربی نمی‌دانستند، به زبان‌های رایج خویش برمی‌گرداندند. نقل کرده‌اند: ایرانیان از *سلمان فارسی* خواستند که قرآن را برای آنان به زبان فارسی ترجمه نماید (ر.ک السرخسی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷؛ شلتوت، ۱۳۵۵: ۱۱۲). این متن مقدس به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است به طوری که *زرقانی* در این باره می‌نویسد: «قرآن کریم تا کنون بیش از ۱۲۰ بار به ۳۵ زبان مختلف جهان ترجمه شده است» (زرقانی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳)، اما تمامی مترجمان آن در درک قرآن یا تفهیم آن به زبان مقصد یا هر دوی آن‌ها و

نیز در آشنایی با دانش زبانشناسی و ترجمه‌شناسی - از نظر توانایی در ترجمه - متفاوت بوده و نقاط قوت و کاستی‌هایی داشته‌اند. *ابوالفضل بهرام‌پور* یکی از مترجمین قرآن کریم است که نسبت به متن قرآن کریم وفادار بوده است، نویسندگان پژوهش حاضر بر آن هستند با بررسی موردی سوره مبارکه واقعه از منظر بلاغی و نحوی و... به بیان نقاط ضعف و قدرت ایشان در ترجمه بپردازند.

مقاله حاضر می‌کوشد تا از منظر پاسخ به این سؤالات ترجمه سوره واقعه را موردنظر قرار دهد:

با توجه به مفاهیم آیات که با کمک تفاسیر قابل دریافت است و با توجه به منطق مختلف دلالتی زبان قرآن، چه لغزش‌هایی در ترجمه آیات سوره واقعه در میان ترجمه *استاد بهرام‌پور* قابل مشاهده است؟

چه سطوحی از دلالت‌های معنایی، از معنای واژگان تا سطوح صرفی، نحوی و بلاغی آیات سوره واقعه، در ترجمه مورد غفلت قرار گرفته است؟

ترجمه *استاد بهرام‌پور* تا چه میزان توانسته به معیارهای صحیح ترجمه نزدیک باشد؟ روش به کار گرفته شده در پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای است؛ بدین صورت که ابتدا آیات مبارکه سوره واقعه بیان شده و سپس به کمک تفاسیر مختلف به بررسی تطابق یا عدم تطابق ترجمه *بهرام‌پور* با متن قرآن کریم پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام شده مشخص شد که تا کنون مقالات فراوان و گران‌سنگی در نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم به نگارش درآمده است که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس مشاهده نمود. در زیر نیز به چند نمونه از مقالات مرتبط با موضوع حاضر اشاره کرده‌ایم: مرتضی کریم‌نیا در مقاله «نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی» به بررسی اشکالات صرفی و نحوی، تفاوت یا تضاد ترجمه عبارت‌ها، ترکیب‌ها و آیه‌های مشابه، بررسی برخی آیه‌ها که آزاد و غیر مطابق ترجمه شده و.. پرداخته است (ر.ک:

۱۳۷۵: ۱۴۸-۱۲۶). حیدر محلاتی و همکاران در مقاله «نقد و بررسی مفعول مطلق در قرآن بر اساس ترجمه آقایان بهرام‌پور، پاینده و پورجوادی»، به بررسی نقاط قوت و ضعف مترجمین یاد شده در ترجمه مفعول مطلق پرداخته‌اند (ر.ک: ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۶۰). عباس اقبالی و زهره زرکار در مقاله «نقد ترجمه کنایه در ترجمه‌های فارسی قرآن»، به واکاوی برخی تعبیر کنایی در ۴ ترجمه فارسی پرداخته‌اند که ترجمه بهرام‌پور نیز در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. نویسندگان در بخش نتیجه‌گیری، ترجمه بهرام‌پور را ناهماهنگ با سایر ترجمه‌ها و نیازمند بازنگری دانسته‌اند (ر.ک: ۱۳۹۲: ۲۳-۱). عیسی متقی‌زاده و سید علاء نقی‌زاده در مقاله «بررسی معانی مختلف حرف لکن و نقد ترجمه‌های فارسی آن در قرآن کریم» به بررسی ۱۷ آیه قرآن که حرف لکن در آن‌ها به کار رفته، در خلال ۱۶ ترجمه پرداخته‌اند که ترجمه بهرام‌پور نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود (ر.ک: ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۰۷). اما نزدیک‌ترین مقاله به موضوع پژوهش حاضر، خلیل پروینی و فاطمه اکبری‌زاده در مقاله «آسیب‌شناسی زبان‌شناختی ترجمه‌های قرآن (بررسی موردی ترجمه‌های سوره واقعه)» به بررسی واژگانی، صرفی، نحوی و بلاغی آسیب‌ها و لغزش‌های ترجمه‌های مکارم شیرازی، آیتی، فیض‌الاسلام، الهی قمشه‌ای، فولادوند، صفارزاده و صفوی پرداخته‌اند و در آن نامی از بهرام‌پور برده نشده است (ر.ک: ۱۳۹۲: ۵۶-۲۹). اما مقاله‌ای که به بررسی و نقد ترجمه سوره واقعه از ابوالفضل بهرام‌پور پرداخته باشد مشاهده نشد و همین امر جنبه نوآوری مقاله حاضر است.

مبانی نظری پژوهش

بعضی ترجمه را عربی و از ریشه «ترجم» گرفته‌اند (جوهری، بی‌تا، ج ۵: ۱۹۲۸) که به معنای انتقال کلام، از زبانی به زبان دیگر است (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۹۲)، عده‌ای دیگر ریشه آن را «رجم» به معنای سخن گفتن از روی حدس و گمان ذکر کرده‌اند (زیبیدی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۱۲). جمعی دیگر بر این باورند که این واژه، غیر عربی و معرب است؛ دهخدا می‌نویسد: «ترجمه از ترزبان است و ترجمان کسی است که کلام دو شخص متغایراللسان را به یکدیگر بفهماند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه ترجمه). ترجمه از لحاظ وزن، مصدر فعل رباعی مجرد به معنای روشن کردن است و جمع آن ترجمان است

(جوهری، بی تا، ج ۵: ۱۹۲۸) و از نظر نگارشی به دو شکل آمده است. ترجمان و ترجمان «(شرتونی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۵۵)، نیز از نظر اصطلاحی عبارت است از «یافتن نزدیک‌ترین معادل در یک کلام در زبان مقصد، اول از جهت فهم و بعد از لحاظ سبک» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱).

ترجمه به عنوان پل ارتباطی میان زبان‌های مختلف همواره در انتقال معارف در میان بشریت بسیار مهم و حائز اهمیت بوده است. ضروری است، که مترجم، در هر دو زبان مبدأ و مقصد، متبحر و به اسالیب و ویژگی‌های هر دو زبان کاملاً آگاه باشد و ترجمه را به جمیع معانی و مقاصد مربوط به متن، به نحو مطمئنی ایفا نماید (سلماسی‌زاده، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴) زیرا «مسأله محوری برای مترجم، دست یافتن به هم‌ارزی چالشی و برقراری گفت‌وگو میان زبان مبدأ و مقصد است» (تک‌تبار فیروزجائی، ۱۳۹۴: ۲۸). لازم است که ترجمه به تمام ابعاد معنای مقصود در زبان اصلی وفادار باشد و حتی نکات و دقایق سخن را که به نحوی که با اصل مقصود پیوند دارد، همچون کنایه، تعریض، جملات حزن‌آور و حسرت‌بار و مانند این‌ها در بر بگیرد، مواردی که در رساندن مطلب و بیان مقصود و نیز در روش نظم کلام متفاوت است. از این رو باید مترجم، به خوبی شایستگی این معنی را داشته و احاطه کاملی بر ویژگی‌های کلامی دو زبان داشته باشد و به اسرار بلاغت و بیان در دو زبان آگاه باشد و نقطه‌نظرهای صاحب نوشته اصل را بداند و سطح علمی نوشته اصل را بشناسد و توانایی آن را داشته باشد که معنی را به طور کامل با تمام ویژگی و دقایق آن به دست آورد و در قالب دیگری که تا حد امکان شبیه آن است بریزد و این کاری است که کم‌تر نویسندگان و صاحب قلمی قدرت آن را دارد، چه بسیار گام‌هایی که در این میدان عظیم لغزیده است.

تا کنون قرآن کریم بارها به زبان‌های مختلف و نیز در ایران توسط مترجمین مختلفی ترجمه شده است؛ بیش‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم را می‌توان مربوط به سه دهه اخیر انقلاب اسلامی دانست، این موضوع سبب شده که بتوان این دوره را نهضت ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی نامید (ر.ک: رضایی باغبیدی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱). این کتاب آنقدر منبع لایزال و اغراض نهفته دارد که ترجمه آن به آسانی مقدور نیست و شاهدیم که در بسیاری از ترجمه‌ها، لغزش‌ها و آسیب‌هایی دیده می‌شود و در بسیاری از ترجمه‌ها

زیبایی‌شناسی و اغراض بلاغی مورد توجه قرار نگرفته است. برخی قرآن‌پژوهان و زبان‌پژوهان عقیده دارند، ترجمه، انتقال مفهومی و محتوایی از زبانی به زبان دیگر است؛ به طوری که «مخاطب آن متن در زبان مقصد، همان چیزی را از متن می‌فهمد و همان عکس‌العملی را در مقابل آن دارد که مخاطب آن متن در زبان مبدأ می‌فهمد و نشان می‌دهد» (رامیار، ۱۳۸۵: ۶۴۷).

سید محسن جواهری، روش‌های ترجمه قرآن کریم را شش نوع دانسته است: ۱- ترجمه لغوی یا لفظ به لفظ ۲- ترجمه تحت‌اللفظی ۳- ترجمه وفادار یا امین ۴- ترجمه معنایی ۵- ترجمه تفسیری ۶- ترجمه آزاد (ر.ک: جواهری، ۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۴۰)، که به نظر می‌رسد نمی‌توان مرزبندی دقیقی بین آن‌ها انجام داد، اما به نظر می‌رسد دقیق‌ترین تقسیم‌بندی در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، به سه روش: ترجمه‌های تحت‌اللفظی، ترجمه‌های وفادار و ترجمه‌های آزاد (تفسیری) مناسب‌تر است (ر.ک: ناصری، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

بحث اصلی پژوهش

سوره واقعه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۹۶ آیه است، در تاریخ القرآن از ابن‌ندیم نقل شده که سوره واقعه چهل و چهارمین سوره‌ای است که بر پیغمبر نازل شده، قبل از آن سوره طه و بعد از آن سوره شعرا بوده است. این سوره همانگونه که از لحن آن پیداست و مفسران نیز تصریح کرده‌اند در مکه نازل شده است هرچند بعضی گفته‌اند آیه ۸۱ و ۸۲ این سوره در مدینه نازل گردیده ولی دلیلی بر این گفته در دست نیست و نشانه‌ای در آیات مزبور بر این ادعا وجود ندارد.

سوره واقعه چنانکه از نامش پیداست از قیامت و ویژگی‌های آن سخن می‌گوید و این معنی در تمام آیات ۹۶ گانه سوره مسأله اصلی است اما از یک نظر می‌توان محتوای سوره را در ۸ بحث خلاصه کرد:

(۱) آغاز ظهور قیامت و حوادث سخت و وحشتناک مقارن با آن.

۲) گروه‌بندی انسان‌ها در آن روز و تقسیم آن‌ها به (اصحاب یمین)؛ (اصحاب شمال)؛ (مقربین)؛

۳) بحث مشروحو از مقامات (مقربین) و انواع پاداش‌های آن‌ها در بهشت.

۴) بحث مشروحو درباره (اصحاب یمین) و انواع مواهب الهی بر آنان.

۵) بحثی درباره (اصحاب شمال) و مجازات دردناک آن‌ها در دوزخ.

۶) ذکر دلایل مختلفی پیرامون مسأله معاد و روز رستاخیز از طریق بیان قدرت خداوند و خلقت انسان از نطفه ناچیز و تجلی حیات در گیاهان و نزول باران.

۷) ترسیمی از حالت احتضار و انتقال از این جهان به جهانی دیگر.

۸) نظر اجمالی دیگری روی پاداش و کیفر مؤمنان و کافران دارد.

در سوره واقعه با تکرار دو بار آیه ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ به حمد و تسبیح پروردگار به صورت خاص امر شده است و براهینی در خصوص توحید و وحدانیت پروردگار و قدرت مطلقه حضرتش آمده است.

محور اصلی این سوره مسأله رستاخیز است، در ابتدای سوره نشانه‌های رستاخیز بیان شده است، در اواسط سوره نیز شبهاتی در مورد معاد مطرح شده که در آیه ۶۰ به آن اشاره شده است و در ادامه سوره نیز مسأله عظمت قرآن و مراتب فهم و درک آن در آیات ۷۲ به بعد مطرح شده است؛ دیگر محور اساسی این سوره بیان سرگذشت سه گروه است یعنی در حقیقت خداوند مردم را در این سوره به سه دسته تقسیم می‌کند، در آیات آغازین این سوره آمده که شما سه گروه هستید اولین گروه میمون و بابرکت هستند که سرنوشت آن‌ها با بهشت ختم می‌شود، دومین گروه کسانی هستند که سرنوشت شوم دارند، روی سعادت را نمی‌بینند این افراد به اصحاب شمال معروف هستند؛ سومین گروه آن‌هایی هستند که از دو گروه قبلی بالاترند کسانی که در ایمان از دیگران سبقت گرفته‌اند؛ در حقیقت قرآن در سوره واقعه با بیان سرگذشت زندگی این افراد درس بزرگی را به مردم می‌دهد.

از مسائل و حوادث عالم پس از مرگ، برزخ، قیامت و احوال نیکان و بدان گزارش می‌دهد، از حوادث قیامت بحث می‌کند اما چرا قرآن کریم از قیامت تعبیر به (واقعه) نمود؟ برای اینکه وقوع حادثه عبارت است از حدوث و پدید آمدن آن و کلمه واقعه

صفتی است که هر حادثه‌ای را با آن توصیف می‌کند به عنوان مثال می‌گویند واقعه‌ای رخ داد؛ یعنی حادثه‌ای به وجود آمده، مراد از واقعه در آیه «ذات وقعت / الواقعة» واقعه قیامت است و اگر در اینجا به طور مطلق و بدون بیان آمده بدین جهت بوده که بفهماند واقعه قیامت، شناخته‌شده و معروف است که نیاز به ذکر موصوف ندارد؛ به همین جهت گفته‌اند کلمه واقعه یکی از نام‌های قیامت است.

ابوالفضل بهرام‌پور

ابوالفضل بهرام‌پور متولد ۱۳۲۰ شمسی در شهر زنجان است، کارشناسی ارشد ادبیات و علوم قرآنی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران دارد. ایشان مدرس روش ترجمه و تفسیر بوده، مؤسس دفتر ترجمه و تفسیر دارالقرآن و سازمان تبلیغات اسلامی تهران است. ایشان از قرآن‌پژوهان کوشای معاصر است که از سال‌های پیش از انقلاب در تألیف کتب درسی با شهید آیت‌الله حسین بهشتی و شهید باهنر در زمینه مسائل قرآنی و دینی همکاری داشته است. ایشان یک سلسله تفسیرهای تک‌سوره‌ای آموزشی کم‌حجم دارد که این آثار به نحوی تدوین شده که علاوه بر قابلیت مطالعه فردی، جنبه درسی و خودآموزی هم دارد. در هر بخش، اول لغت‌ها، سپس ترجمه آیات و بعد از آن تفسیر و برداشت‌ها و در آخر بعضی ریزه‌کاری‌های لفظی و نکات زبانی و ادبی آمده است.

تفسیر یک‌جلدی مبین تفسیر قرآن در یک جمله مشتمل بر تفسیر کوتاه آیات هر صفحه در دو ستون به همراه لغتنامه صفحه موردنظر به علاوه ترجمه دقیق آیات و زیرنویس آیات است به طوری که در تمام قرآن، ترجمه با پایان آیه به اتمام می‌رسد که امتیاز منحصر به فردی در ترجمه‌های زیرنویس است.

بهرام‌پور به سبکی جذاب به تفسیر قرآن می‌پردازد؛ وی هنگام نگارش تفسیر ۳۰ جلدی خود با عنوان «نسیم حیات»، به ترجمه آیات نیز پرداخت، آنگاه ترجمه آیات را به طور مجزا با ویرایش جدید به چاپ رساند. ترجمه وی ترجمه‌ای سلیس و روان از قرآن است با توضیحات تفسیری اندکی که در میان دو قلاب قرار گرفته‌اند. یکی از ویژگی‌های این ترجمه شرح لغات است که در کنار متن آیات به ریشه‌یابی و بیان معنای واژگان می‌پردازد. این قسمت از ترجمه که بیش‌تر جنبه آموزشی دارد برای کسانی که

می‌خواهند از ترجمه قرآن اطلاعات بیش‌تری به دست آورند مفید است؛ از دیگر ویژگی‌های این ترجمه، دقت در ترجمه کلیه حروف و کلمات قرآن است حتی ادات تأکید نیز با دقت ترجمه شده‌اند، به این ترجمه نقدهایی نیز وارد شده است از جمله عدم هماهنگی در ترجمه آیات متشابه، عدم وجود دقت لازم در ترجمه برخی از کلمات، تکراری بودن کلمات ترجمه شده در حاشیه قرآن، ناهماهنگی ترجمه کلمات در قسمت آموزشی و متن ترجمه.

نقاط قوت ترجمه بهرام‌پور

لازم به ذکر است چون تمامی آیات برگرفته از سوره مبارکه واقعه می‌باشد تنها به ذکر شماره آیات اکتفا شده است.

۱. کنایه

﴿وَفَرَشٍ مَّرْفُوعَةٍ﴾

«و همسرانی بلند (مرتبه)»

فرش به معنای بساط و گستردنی که در اینجا با صفت (مرفوعة) بیان شده، به معنای فرش‌هایی که در جاهای بلند است، برخی گفته‌اند به هر یک از زوجین به کنایه از موصوف (فراش) گفته است. لذا می‌توان در معنای کنایی آن را زنانی در نظر گرفت که زیبایی مادی و کمال معنوی جایگاه رفیع و بلندی دارد (راغب، ۱۴۱۲، ۱: ۶۲۹) و دلالت بر تأویل این قول دارد ﴿إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً﴾ (درویش، ۱۴۲۰: ۳۹۹)، که در بسیاری از این ترجمه‌ها این کنایه ترجمه نشده است و از آن به عنوان فرش و بساط و گستردنی استفاده کرده‌اند اما بهرام‌پور در ترجمه این آیه گفته «و همسرانی بلند (مرتبه)» که در این آیه از ترجمه فرش به معنای کنایه آن توجه نموده و از آن به عنوان همسر ترجمه نموده است.

﴿عُرْبًا تَرَبَّأْنَا﴾

«عشق‌ورزان (به همسر) و هم سن و سال‌اند»

این عبارت کنایه از پیر و سالخورده یا پرورش و تربیت کودک است (درویش، ۱۴۲۰: ۳۹۹). عرب جمع عروب و به معنای زنی که عاشق همسرش است (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۹). در این مورد مبرد گفته است: «العروب به معنای عاشق و معشوق همسر خود

بودن است و همچنین زید بن اسلم می‌گوید: العرب به معنای زبان نیکو و فصیح است و (اتراب) به معنای کسی که هم سن و سال هم است و با هم متولد می‌شوند» (درویش، ۱۴۲۰: ۳۹۹) و کلمه اتراب جمع ترب به معنای مثل است می‌فرماید: «ما زنان بهشتی را امثال یکدیگر کردیم و یا از نظر سن و سال هم سن شوهرشان کردیم» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۱۴). در بسیاری از ترجمه‌ها این کنایه رعایت شده است از جمله ترجمه استاد بهرام‌پور که فرموده «عشق‌ورزان (به همسر) و هم سن و سال اند که از معنای کنایه آن استفاده نموده است».

﴿فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ﴾

«پس چرا وقتی که (جان) به گلوگاه می‌رسد»

عبارت «إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ» کنایه از مشرف شدن به مرگ است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۱). در این کنایه که از روی طنز و شوخی به کسی که زیاد پرخوری می‌کند گفته می‌شود که این کنایه در این آیه آمده و به معنای به حلقوم رساندن روح هنگام مرگ است که استاد بهرام‌پور در ترجمه این آیه گفته «پس چرا وقتی که (جان) به گلوگاه می‌رسد» که در آن به رساندن جان به گلوگاه اشاره می‌کند و منظور آن هم معنای کنایه آن به گلوگاه رساندن روح هنگام مرگ است و در ترجمه آیه موفق عمل کرده است. همچنین در این آیه استعاره مکنیه وجود دارد، گویی روح را شیء مجسمی فرض می‌کند که روح در یک حرکت محسوس به گلوگاه و حلقوم می‌رسد (درویش، ۱۴۲۰: ۴۱۴).

﴿خَافِضَةً رَافِعَةً﴾

«پایین‌آورنده گروهی و بالا‌رونده گروهی است»

خفض درست معنای خلاف رفع را می‌دهد؛ اما اینکه به چه حساب قیامت پایین‌آورنده و بالا‌رونده است باید گفت که این تعبیر کنایه است از اینکه قیامت نظام عالم را دگرگون می‌کند، مثلاً باطن دل‌ها را که در دنیا پنهان بود ظاهر می‌کند و آثار اسباب که در دنیا ظاهر بود، هم می‌دانستند، آب چه اثری و آتش چه اثری دارد، در قیامت پنهان می‌شود. یعنی اسباب به کلی از اثر می‌افتد و روابط جاری میان اسباب و مسببات به کلی قطع می‌گردد، در دنیا جمعی دارای عزت بودند و آن‌ها اصل کفر و فسق بودند که عزت‌شان همه جا ظاهر بود و همچنین جمعی دیگر یعنی اهل تقوا (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۷).

به هر حال رستاخیز نه تنها با دگرگونی کائنات توأم است بلکه انسان‌ها هم دگرگون می‌شوند همانگونه که در آیه مورد بحث می‌فرماید: «گروهی را پایین می‌آورد و گروهی را بالا می‌برد (خافضة رافعة) مستضعفان مؤمن و صالح بر اوج قله افتخار قرار می‌گیرند، گروهی در قعر جهنم سقوط می‌کنند و گروهی در اعلا علیین بهشت جای می‌گیرند و این است خاصیت یک انقلاب بزرگ و گسترده الهی» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲، ج ۲۳: ۷۲). در ترجمه/استاد بهرام‌پور که فرموده «پایین‌آورنده گروهی و بالا‌رونده گروهی» است که این تعبیر کنایه است در مورد اثر قیامت و دگرگونی انسان‌هاست.

۲. تأکید

﴿إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً﴾

«همانا آن زنان را به آفرینشی نو آفریدیم»

این از حروف مشبیه است و مقید تأکید است، استفاده از مفعول مطلق تأکیدی و نیز تکرار واژگان (نا) و (إنشاء) مفهوم تأکید در سیاق آیه را دو چندان می‌کند، از سویی بر فعل تأکید می‌شود و از سویی بر فاعل (نا)، این تأکید است و به راحتی قابل ترجمان نیست و تنها می‌توان با ذکر واژگانی چون (به یقین)، (قطعاً)، (محققاً)، (بی‌هیچ شک و تردید)، بخشی از این تأکید است را بیان کرد (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸) و بهرام‌پور با ترجمه این آیه به صورت «همانا آن زنان را به آفرینشی نو آفریدیم»، با استفاده از واژه (نو) تا حدی این تأکید را منتقل ساخته است در صورتی که برخی ترجمه‌های دیگر این آیه اصلاً به این تأکید توجه نکرده و معنای آیه را بدون تأکید بیان نموده‌اند.

نقاط ضعف ترجمه بهرام‌پور

۱. مفهوم عمومیت

﴿لَيْسَ لَوْقَعْتَهَا كَاذِبَةٌ﴾

ترجمه بهرام‌پور: «در وقوع آن دروغی نیست»
ترجمه پیشنهادی: در وقوع آن جای هیچ دروغی نیست.

در این آیه، حوادث پس از آن به قدری عظیم و شدید است که آثار آن در تمام ذرات جهان آشکار می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲: ۷۱). نکره در سیاق نفی، نشان از عموم و تأکید دارد، این آیه بدان معناست که در وقوعش جای هیچ کذب و هیچ شکی نیست. در سخن از (کاذبه) باید گفت برخی آن را صفت برای موصوف مقدر (نفس و یا قضیه) گرفته‌اند (درویش، ۱۴۲۰: ۳۹۳؛ پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲) و تقدیر کلام (لیس لوقعتها قضیه کاذبه) است یعنی برای وقوع قیامت هیچ عاملی که اقتضای دروغ شدنش را داشته باشد و آن را دروغ کند وجود ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۷). برخی نیز اسم فاعل را در معنای مصدر به معنای (کذب) در نظر گرفته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۳۲۵). بنا به گفته وی معنای آیه چنین می‌شود: (در وقوع و تحقیق قیامت هیچ دروغی نیست) مجاز از نوع تعلیق اشتقاقی (اطلاق اسم فاعل بر مصدر) (الهاشمی، ۱۳۸۴: ۲۵۷). کاذبه مصدر مانند عاقبه به معنی (التکذیب) می‌شود (الزمخشری، ۱۴۱۸: ۲۱). ممکن است ترجمه‌های متفاوتی از آن دیده می‌شود اما آنچه که مورد نظر ماست مفهوم عموم نفی است که قابل برگرداندن به واژه (هیچ) است (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۷). بر خلاف اغلب ترجمه‌ها، این دلالت ترجمه نشده است از جمله ترجمه بهرام‌پور که می‌فرماید «در وقوع آن دروغی نیست» که این دلالت را ترجمه نکرده است.

۲. قطعیت در زمان ماضی دال بر مستقبل

﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾

«هنگامی که آن واقعه (رستاخیز) رخ دهد»

ترجمه پیشنهادی: آن واقعه (رستاخیز) قطعاً روی خواهد داد. واقعه عظیم! مسائل مربوط به قیامت در قرآن مجید معمولاً با ذکر حوادث عظیم و انقلابی کوبنده در آغاز آن توأم است و این در بسیاری از سوره‌های قرآن که بحث از قیامت می‌کند کاملاً به چشم می‌خورد، در سوره واقعه که بر محور معاد دور می‌زند نیز همین معنا کامل در نخستین آیاتش مشهود است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲، ج ۲۳: ۷۱). سیاق آیات سوره به گونه‌ای است که از حتمیت وقوع قیامت و احوال آن حکایت دارد لذا استفاده از زمان ماضی برای صحبت از رویدادی که در آینده به وقوع خواهد پیوست، نشان

از تأکید بر حتمیت و یقینی بودن وقوعی دارد، معنای قطع و یقین باید در ترجمه آیات لحاظ گردد. این امر اغلب مورد اهمال و غفلت قرار گرفته است (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۷) مانند ترجمه بهرام‌پور که در معنا از این دلالت استفاده نکرده و گفته است «هنگامی که آن واقعه (رستاخیز) رخ دهد».

۳. مفهوم حصر

﴿أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾

«آن‌ها مقربان‌اند»

ترجمه پیشنهادی: تنها آنها مقربان هستند.

واژه (المقربون) خبر معرفه برای مبتدای معرفه (اولئك) است که دلالت بر حصر دارد و باید به لفظ (تنها) و یا (منحصراً، صرفاً) و یا واژگانی از این قبیل ترجمه شود (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۷). این حصر و تأکید در برخی ترجمه‌ها لحاظ نشده است مانند ترجمه استاد بهرام‌پور «آن‌ها مقربان‌اند».

۴. استعاره

استعاره در اصل به معنی عاریت خواستن و به عاریت گرفتن است و در صناعات ادبی استعمال لفظی در غیر معنای اصلی آن است. استعاره‌ها ممکن است به صورت تک‌واژه‌ای یا چند واژه‌ای (یک اصطلاح، یک جمله، یک ضرب‌المثل، یک حکایت و ...) باشد. از جمله مهم‌ترین کارکردهای ادبی و بلاغی تصاویر تشبیهی و استعاری عبارت‌اند از ملموس و عینی جلوه دادن آنچه نامحسوس به نظر می‌آید؛ برانگیختن حس عاطفی و قوه خیال مخاطب و...؛ در مجموع، تصاویر بلاغی هم زبان را زینت می‌بخشند و هم اینکه عاطفه و احساس گوینده را انتقال داده و در مخاطب نیز همین عواطف را برمی‌انگیزند. از این حیث، در بحث ترجمه، همین انتقال و برانگیختن احساسی است که مسأله‌آفرین می‌شود. در واقع، ممکن است مترجم بتواند حتی با جایگزین کردن تصویری بهتر در زبان مقصد، جنبه زینتی و آرایشی تصاویر راحتی زیباتر جلوه دهد (حری، ۱۳۹۰: ۱۱).

﴿عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ﴾

«بر تخت‌هایی زربافت جواهرنشان»

در این آیه نعمت‌های بهشتی را که نصیب گروه سوم یعنی مقربان است، بازگو می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲، ج ۲۳: ۷۴) و کلمه (وضن) به معنای بافتن است، بعضی گفته‌اند: هر بافتنی را (وضن) نمی‌گویند بلکه تنها بافتن زره را وضن می‌گویند و اگر در اینجا بافتن تخت را وضن خوانده از باب استعاره است، خواسته است از محکمی بافت آن خبر داده باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۹)، بهرام‌پور در ترجمه این آیه گفته: «بر تخت‌هایی زربافت جواهرنشان»، بهرام‌پور در ترجمه به این استعاره توجه نموده و در ترجمه آیه از کلمه تخت‌هایی زربافت برای کلمه (وضن) استفاده نموده است.

﴿أفبهذا الحديث أنتم مدهنون﴾

«پس آیا شما اینک سخن را سبک می‌گیرید»

کلمه (هذا الحديث) در این آیه منظور قرآن کریم است، و کلمه (مدهنون) جمع اسم فاعل از مصدر (ادهان) است. که در اصل به معنی روغن‌مالی به منظور نرم کردن چیزی است. و به عنوان استعاره در سهل‌انگاری استعمال شده است (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹). این استعاره تا حدودی در ترجمه بهرام‌پور که فرموده: «پس آیا شما اینک سخن را سبک می‌گیرید» که از معنای استعاره‌ای کلمه (مدهنون) به معنای سبک گرفتن استعمال نموده است. استفهام در آیه، استفهام سرزنشی است و (بهذا) متعلق به (مدهنون) است (درویش: ۳، ۵؛ طباطبایی: ۱۹، ۱۴۵) این آیه آن‌ها را سرزنش می‌کند که اینک قرآن را چیزی غیر قابل اعتناء دانستند و در این سخن سهل‌انگاری می‌کنند. این غرض بلاغی تا حدودی در ترجمه بهرام‌پور «پس آیا شما اینک سخن را سبک می‌گیرید» آورده شده است و هم متعلق (بهذا) در این آیه به درستی ترجمه شده است در صورتی که برخی مترجمان معادل فارسی نیکویی برای این واژه انتخاب نکرده‌اند و از واژه‌هایی همانند (انکار، نفاق، دروغ) استفاده کرده‌اند.

۵. التفات

التفات در لغت از ریشه «لفت» و به معنای انحراف و منحرف کردن چیزی از جهت آن است. «لفت عن» به معنای انحراف و روی گردانی از چیزی و «لفت ... إلى ...» به معنای

توجه و روی آوردن به چیزی است» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۲: ۸۴). التفات از جمله ویژگی های سبکی گفتمان قرآنی است. التفات که در لغت به معنای برگرداندن و یا تغییر مسیر صورت به سمتی دیگر است، در گفتمان قرآنی شاخصه ای متعدد دارد. از آن جمله: تغییر در عدد؛ در مخاطب؛ در زمان افعال؛ در حالت دستوری و کاربرد اسم به جای ضمیر. تغییر در ضمایر اول و دوم و سوم شخص، مرسوم ترین نوع التفات است، تغییر در ضمایر خود به شش نوع تقسیم می شود: تغییر از ضمیر سوم شخص به اول شخص؛ تغییر از اول شخص به سوم شخص؛ تغییر از سوم شخص به دوم شخص؛ تغییر از دوم شخص به سوم شخص؛ تغییر از اول شخص به دوم شخص؛ تغییر از دوم شخص به اول شخص (حری، ۱۳۹۰: ۱۳).

در زیر دو نمونه از صنعت التفات را در ترجمه استاد بهرام پور بررسی می کنیم که نمونه ای از التفات از نوع ضمیر است:

﴿نحن خلقکم فلولا تصدقون﴾

«ما شما را آفریده ایم، پس چرا (آفرینش جدید را) تصدیق نمی کنید»

پس حاصل مفاد آیه این است که ما شما را خلق کرده ایم و می دانیم که با شما چه می کنیم و به زودی آنچه بنا داریم درباره شما انجام خواهیم داد و اینک به شما خبر می دهیم که به زودی زنده تان می کنیم و در برابر آنچه می کردید جزایتان خواهیم داد با این حال چرا خبرها را که در کتاب نازل بر شما به شما می دهیم تصدیق نمی کنید؟ در این آیه و آیه بعدش التفاتی از غیبت به خطاب به کار رفته چون قبلاً مردم غائب فرض شده بودند می فرمود: «هذا نزلهم یوم الدین» این پذیرایی از ایشان است در روز جزا ولی در ابتدای آیات مورد بحث مردم مخاطب قرار گرفته اند روی سخن به ایشان کرده می فرماید: (نحن خلقناکم) و این دگرگون کردن سیاق برای این بوده، که در آیات مورد بحث بنای توبیخ آنان را داشته و در توبیخ خطاب مؤکدتر از غیبت است و گفتن اینکه شما چنین و چنانید مؤثر از گفتن ایشان چنین و چنان اند است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۸).

در ترجمه بهرام پور هم ترجمه به این التفات از غیبت به خطاب توجه نموده و آن را در ترجمه خود استعمال نموده است.

﴿أما إن کان من اصحاب الیمین﴾ ﴿فسلم لک من اصحاب الیمین﴾ (۹۰ و ۹۱)

«و اما اگر از اهل سعادت باشد، پس {به او گفته شود:} تو را از جانب اهل

سعادت سلامی است»

در این آیه التفاتی از غیبت به خطاب به کار رفته چون تا اینجا خطاب به منکرین معاد بود و رسول خدا گویا غایب حساب شده بود و در اینجا روی سخن شخص آن جناب کرد برای اینکه می خواست سلام اصحاب یمین را برای او نقل کند و بفرماید (سلام لک من اصحاب یمین و إما ان کان من المکذبین الضالین فنزل من حمیم و تصلیه حجیم یضله) (طباطبایی، ۲۴۳: ۱۴۱۷).

و ترجمه/ستاد بهرام پور از این آیه «و اما اگر از اهل سعادت باشد، پس {به او گفته شود:} تو را از جانب اهل سعادت سلامی است» که در آن این اغراض بلاغی را رعایت نموده است و به صنعت التفات از غائب به مخاطب توجه نموده است.

سایر دلالت‌های معانی

روابط زبان شناختی و آوایی در طول آیات، دلالت‌های مختلفی دارد. هم‌آوایی واژگان که به دنبال ایجاد روح معنایی و اثرگذاری خاص در مخاطب است از ویژگی‌های این سوره محسوب می‌شود، جنبه آوایی در الفاظ، در حروف و تکیه واژگانی و هم‌نشینی واژگان متناسب در طول یک آیه و هم‌نشینی آیات در طول سوره دارای دلالت‌ها و بار معنایی خاص است که هر چقدر مترجم از توان بالایی برخوردار باشد، به راحتی قابل ترجمه نیست (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸).

برای مثال واژه (ظل) در آیه ﴿و ظل من یحموم﴾ لا بارد ولا کریم (۴۳ و ۴۴) واقعه بر تمسخر و ریشخند دلالت دارد (قطب: ۳۴۶۴، ۶) به این معنی که آن‌ها زیر سایه دود سیاه می‌روند که هیچ خصوصیت سایه بودن را ندارند (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸).

﴿هذانزلهمریومالدین﴾

«این است پذیرایی آنان در روز جزاء»

در این آیه، در ادامه سخنان رسول خدا با منکرین معاد است که آن‌ها را از اوضاعشان در روز قیامت می‌سازد و می‌فرماید: «ای گمراهان از راه حق و ای مکذبان که در شکستن پیمان الهی اصرار داشتید، در قیامت از درخت زقوم خواهید خورد (آن درختی زشت

منظره است که شیره آن باعث تورم می‌شود) و شکم‌هایتان را مملو از آن خواهید کرد چون از شدت گرسنگی که بر شما غالب شده چاره دیگری ندارید و آنگاه پس از این خوراک بلافاصله پس از شدت عطش آبی جوشان بر روی آن سر می‌کشید درست مانند شتر هیماء که در اثر بیماری استسقاء هر چه آب می‌خورد رفع عطش او نمی‌شود و آنقدر می‌نوشد تا بمیرد و یا مانند زمین ریگزاری که هرگز از نفوذ آب سیراب نمی‌گردد، و این آخرین کلام رسول خدا خطاب به آن‌هاست و در ادامه خدای متعال به رسول خدا می‌فرماید: «این اوصافی که از طعام و شراب آن‌ها گفتیم پذیرایی است که برای آن‌ها در روز جزاء آماده شده است» (طباطبایی، ۲۱۸: ۱۴۲۰)

در این آیه، خداوند با اسلوب تهکم و به جهت تغییرشان گمراهان دروغگو و برای بیان وضعیت آنان، از لفظ (نزل) استفاده کرده است، (نزل) رزق و روزی است که برای اکرام فرد مهیا می‌شود، بدین معنی سخن در قالب تمسخر و استهزاء و کاستن از شأن و منزلت این گروه بدکاران می‌گوید: این اکرام آن‌ها در روز جزاست (زمخشری: ۴، ۴۶۴). سیاق کلام باید به گونه‌ای باشد که مفهوم تهکم و استهزاء را برساند، برخی ترجمه‌ها با زیرکی معادلی نیکو یافته‌اند و با بهره از واژه (پذیرایی) که برای اکرام است و استفاده از آن در سیاق جمله‌ای که خبر از عذاب و شکنجه دارد (پروینی و اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸)

مفهوم تمسخر را به نحوی نشان داده اند مانند ترجمه استاد بهرام پور که فرموده: «این است پذیرایی آنان در روز جزاء» که به درستی این تهکم و مسخره را در ترجمه خود رسانیده است و از واژه (پذیرایی) برای رساندن زیبایی این مفهوم استفاده نموده است مانند قول تعالی «فبشرهم بعذاب الیم» که در آن استعاره با هدف معنایی تهکم و تمسخر صورت گرفته است (وصافی، ۱۲۰: ۱۹۹۵).

نتیجه بحث

با توجه به پژوهش‌ها و مقاله‌های اخیر به نظر می‌رسد که استادان زبان فارسی به ایجاد نظم و اصلاح کتاب‌های علم بلاغت، به ویژه علم معانی پرداخته‌اند که این امر مهم می‌تواند در بهبود ترجمه‌های قرآن کریم مؤثر واقع شود. لذا پیشنهاد این پژوهش آن است که ترجمه‌های قرآن کریم با توجه به تحقیق‌ها و نقدهای انجام یافته در سال‌های اخیر بازنگری

شدند و مفاهیم آیات قرآن با جملات زیبا و کامل از نظر معنایی و بلاغی به مخاطب عرضه شدند.

نتیجه گیری از آنچه گفتیم بررسی اغراض بلاغی سوره واقعه، در مقایسه با ترجمه / استاد ابوالفضل بهرام پور بود و این اغراض بلاغی در این سوره عبارت‌اند از: مفهوم عمومیت، قطعیت در زمان ماضی دال بر مستقبل، مفهوم حصر، کنایه، تأکید، استعاره، التفات، سایر دلالت‌های معانی بیان شده است.

در این بررسی دیدیم که / استاد بهرام پور نیز مانند سایر مترجمان تلاش خود را به کار بسته که ترجمه‌ای مستدل، وفادار و در عین حال روان خواندنی از قرآن ارائه دهد. اما در عین حال در ترجمه خود بعضی از اغراض بلاغی را به خوبی و با دقت ترجمه نکرده است از جمله: در ترجمه بلاغی مفهوم عمومیت که عموم نفی است و در ترجمه باید از واژه (هیچ) استفاده شود، اما بهرام پور از این دلالت استفاده نکرده است؛ و در ترجمه بلاغی حصر و تأکید باشد گویای پیام مهمی است اما در بسیاری از ترجمه‌ها می‌بینیم به هیچ‌کدام از این موارد توجه نشده است و آیه بدون تأکید و مفهوم حصر ترجمه نشده است مانند ترجمه / استاد بهرام پور.

اما با وجود معایب این ترجمه بهرام پور در ترجمه اغراض بلاغی حسنات بسیاری دارد: از جمله در اغراض بلاغی کنایه بهرام پور بسیار با دقت این معنای کنایه‌ای را رعایت نموده است، و همچنین اغراض بلاغی تأکید را در بخشی از آیه به درستی ترجمه نموده است و همچنین استعاره و التفات و سایر دلالت‌های معانی به درستی در ترجمه بهرام پور ترجمه شده است.

کتابنامه

کتب فارسی

- بهرام پور، ابوالفضل. ۱۳۸۳ش، ترجمه قرآن کریم، تهران: انتشارات عفت.
بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. ۱۳۷۶ش، قرآن ناطق، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷ش، لغتنامه، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
رامیار، محمود. ۱۳۸۵ش، تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر.
سلماسی زاده، محمدجواد. ۱۳۶۹ش، تاریخ سیر ترجمه قرآن در جهان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ بیست و دوم، تهران: دارالکتب
الاسلامیة.

کتب عربی

- ابن منظور. ۱۴۰۵ق، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
جوهری، اسماعیل بن حماد. بی‌تا، صحاح اللغة، تحقیق عبدالغفور عطار، بیروت: دارالکتب العربی.
درویش، محی‌الدین. ۱۴۰۲ق، اعراب القرآن و بیانہ، سوریه: دار الإرشاد.
زبیدی، محمدمرتضی. ۱۳۸۵ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الهدایة.
زرکانی، عبدالعظیم. ۱۳۷۳ق، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار الإحياء مکتب العربیة.
زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
السرخسی، شمس‌الدین. ۱۴۰۹ق، المبسوط، بیروت: دار المعرفة.
شرتونی، سعید. ۱۳۶۰ش، اقرب الموارد، قم: منشورات مکتبة آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
شلنتوت، محمود. ۱۳۵۵ق، ترجمة القرآن ونصوص العلماء، قاهره: الأزهر.
طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی التفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
فیومی، احمد بن محمد. ۱۴۰۵ق، المصباح المنیر، مدینه: مؤسسه دار الهجرة.
قطب، سید ابراهیم شاذلی. ۱۴۱۷ق، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.

مقالات

- اقبالی، عباس و زهره زرکار. ۱۳۹۲ش، «نقد ترجمه کنایه در ترجمه‌های فارسی قرآن»، پژوهش
دینی، شماره ۲۶، صص ۲۳-۱.
امانی، رضا و سیرا شادمان. ۱۳۹۰ش، «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرآیند
ترجمه»، مطالعات قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره دوم، ۱۶۸-۱۳۹.

- پروینی، خلیل و فاطمه اکبری زاده. ۱۳۹۲ش، «آسیب شناسی و زبان شناختی ترجمه های قرآن (بررسی موردی ترجمه های سوره واقعه)»، پژوهش دینی، شماره ۲۶، صص ۵۶-۲۹.
- تک تبار فیروزجائی، حسین. ۱۳۹۴ش، «ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه ای ارتباطی از قرآن کریم»، دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۲، شماره ۳، صص ۴۷-۲۷.
- جواهری، سید محمدحسن. ۱۳۸۳ش، «پژوهشی در اصول، مبانی و فرآیند ترجمه قرآن»، نشریه پژوهش و حوزه، سال پنجم، شماره ۲۰-۱۹، صص ۷۳-۴۹.
- حری، ابوالفضل. ۱۳۹۰ش، «بررسی سطوح ساختاری و کارکردی ترجمه روشن گر قرآن کریم»، ماهنامه کتاب دین، شماره ۱۶۴، صص ۵۴-۶۹.
- رضایی باغ بیدی، حسن. ۱۳۸۴ش، «نگاهی گذرا به ترجمه متون مقدس و ترجمه های قرآن»، نشریه معارف، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۴۷-۳۱.
- روستایی، زینب. ۱۳۸۹ش، «بررسی استدلال ادبی علامه بلاغی در روایات تحریف»، مطالعات قرآنی، سال اول، ش ۴، صص ۱۲۵-۱۴۴.
- کریم نیا، مرتضی. ۱۳۷۵ش، «نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از آیت الله العظمی مکارم شیرازی»، بینات، شماره ۱۱، صص ۱۴۸-۱۲۶.
- کهندل جهرمی، مرضیه و همکاران. ۱۳۹۰ش، «گذری بر زیباشناسی اسلوب ندا در قرآن کریم»، مطالعات قرآنی، دوره ۲، ش ۷، صص ۷۱-۸۳.
- متقی زاده، عیسی و سید علاء نقی زاده. ۱۳۹۳ش، «بررسی معانی مختلف حرف لکن و نقد ترجمه های فارسی آن در قرآن کریم»، دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۰۷.
- محلای، حیدر، صحبت اله حسنونند و زهره ذوالفقاری. ۱۳۹۱ش، «نقد و بررسی مفعول مطلق در قرآن بر اساس ترجمه آقایان بهرام پور، پاینده و پورجوادی»، هفتمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۱۸۱-۱۶۰.
- ناصری، مهدی. ۱۳۹۳ش، «قرآن کریم با ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران، ترجمه معاصر وفادار به زبان فارسی»، دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۴۷.

Bibliography

Persian Books

- Bahrampour, Abolfazl. 2004, Translation of the Holy Quran, Tehran: Effat Publications.
- Biazar Shirazi, Abdul Karim. 1997, Nategh Quran, Qom: Islamic Culture Publishing Office.

Dehkhoda, Ali Akbar. 1998, Dictionary, Second Edition, Tehran: Tehran University Publishing and Printing Institute.

Ramyar, Mahmoud 2006, History of Quran, Tehran: Amirkabir.

Salmasizadeh, Mohammad Javad 1990, History of Quran Translation in the World, Tehran: Amirkabir Publications.

Makarem Shirazi, Nasser et al. 1995, Sample Interpretation, 22nd Edition, Tehran: Islamic Books House.

Arabic books

Arabic language, Qom: Publication of seminary literature.

Johari, Ismail bin Hamad, Sahah Al-Lingha, Tahiqiq Abdul Ghafoor Attar, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

Darwish, Mohi al-Din. 1402 AH, The Arabs of the Qur'an and the Statement, Syria: Dar al-Irshad.

Zabidi, Mohammad Morteza 1385 AH, the crown of the bride from the jewel of the dictionary, Beirut: Dar Al-Hedaya.

Zarqani, Abdul Azim 1373 AH, the sources of mysticism in the sciences of the Qur'an, Beirut: Dar Al-Ihya Maktab Al-Arabiya.

Zamakhshari, Mahmoud 1407 AH, Al-Kashaf An Haqeeq Ghawamd Al-Tanzil, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

Al-Sarkhsi, Shamsuddin 1409 AH, extended, Beirut: Dar al-Ma'rifah.

Shertoni, Saeed 1981, Nearest sources, Qom: Publications of the school of Grand Ayatollah Marashi Najafi.

Shaltout, Mahmoud 1355, translation of the Qur'an and the texts of the scholars, Cairo: Al-Azhar.

Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1417, Al-Mizan Fi Al-Tafsir Al-Quran, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.

Tabarsi, Fadl Ibn Hassan 1993, Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Naser Khosrow Publications.

Fayumi, Ahmad ibn Muhammad. 1405, Al-Misbah Al-Munir, Medina: Dar Al-Hijra Foundation.

Qutb, Seyed Ibrahim Shazli. 1417, in the shadow of the Qur'an, Beirut: Dar al-Shorouq.

Articles

Eghbali, Abbas and Zohreh Zarkar. 1392, "Critique of irony translation in Persian translations of the Qur'an", Religious Research, No. 26, pp. 23-1.

Amani, Reza and Yasra Shadman. 1390, "How to equate Quranic metaphors in the translation process", Quran and Hadith Studies, Fifth Year, No. 2, 168-139.

Parvini, Khalil and Fatemeh Akbarizadeh. 1392, "Pathology and Linguistics of Quranic Translations (A Case Study of the Translations of Surah Al-Waqi'ah)", Religious Research, No. 26, pp. 56-29.

Takhtbar Firoozjaei, Hussein. 1394, "Translated by Tahereh Saffarzadeh, Communication Translations of the Holy Quran", Bi-Quarterly Journal of Quranic and Hadith Translation Studies, Volume 2, Number 3, pp. 47-27.

Javaheri, Seyed Mohammad Hassan 2004, "Research in the Principles, Foundations and Process of Quran Translation", Journal of Research and Seminary, Fifth Year, No. 19-20, pp. 73-49.

Hari, Abolfazl 1390, "Study of the structural and functional levels of the enlightening translation of the Holy Quran", Book of Religion, No. 164, pp. 54-69.

- Rezaei Bagh Bidi, Hassan. 2005, "A brief look at the translation of holy texts and translations of the Qur'an", Journal of Knowledge, Volume 21, Number 1, pp. 47-31.
- Rustaei, Zeinab 2010, "A Study of Allameh Bolaghi's Literary Argument in Distorted Narrations", Quranic Studies, First Year, Vol. 4, pp. 125-144.
- Karimonia, Morteza. 1996, "Critique and review of the translation of the Holy Quran by the Grand Ayatollah Makarem Shirazi", Baynat, No. 11, pp. 148-126.
- Khandel Jahromi, Marzieh et al. 1390, "A Passage on the Aesthetics of Neda's Style in the Holy Quran", Quranic Studies, Volume 2, Issue 7, pp. 71-83.
- Mottaqizadeh, Issa and Seyed Ala Naghizadeh. 2014, "Study of different meanings of the letter but and critique of its Persian translations in the Holy Quran", Bi-Quarterly Journal of Quranic and Hadith Translation Studies, Volume 1, Number 2, pp. 135-107.
- Mahallati, Haidar, Sohbatollah Hassanvand and Zohreh Zolfaghari. 2012, "Critique and study of the absolute object in the Qur'an based on the translation of Mr. Bahrampour, Payنده and Pourjavadi", the seventh international conference of the Association for the Promotion of Persian Language and Literature, Allameh Tabatabai University, pp. 181-160.
- Nasari, Mehdi 2014, "The Holy Quran translated by Mohammad Ali Rezaei Isfahani et al., A faithful contemporary translation into Persian", Bimonthly Quarterly of Quran and Hadith Translation Studies, Volume 1, Number 1, pp. 177-147.



Critique of the Translation of Al-Waqi'ah Surah (Case study: translation of Abolfazl Bahrapour)

Zahra Samadi: Post Graduate, Arabic Language, Arak University
Masoud Bavanpouri: PhD Candidate, Arabic Language & Literature, Shahid Madani University, Azerbaijan

Abstract

Holy Quran has been translated into various languages and the level of ability of its translators in understanding the Quran, precepting it in the target language or both, as well as familiarity with the knowledge of linguistics and translation has varied. Abolfazl Bahrapour is one of these translators who has had a great ability in understanding and translating the text of the Holy Quran in his translation. Of course, he also had weaknesses that the present article, after stating the general features of Al-Waqi'ah Surah, studies the translation of Abolfazl Bahrapour in various rhetorical purposes; First, he deals with the rhetorical features such as simile, metaphor, irony, emphasis, attention, etc. in the verses of Al-Waqi'ah Surah, and then he compares those rhetorical intentions with Bahrapour's translation. Some omissions of translations are due to the precise and complex structure of the Qur'anic language, which has made translators prefer one translation over another, but some slips are also due to weakness in the structure of the word or its morphological, syntactic and rhetorical style; Some (translators) also undertook interpretive translation and elaborated without separating the original word from the interpretive margins.

Keywords: Holy Quran, Abolfazl Bahrapour, Al-Waqi'ah Surah, rhetorical purposes.